واکنش رشیدپور به انتقادات درباره مصاحبه با رئیس جمهور

همچنان نحوه مصاحبه رشیدپور با حسن‌روحانی مورد انتقاد بسیاری است. از همین‌رو، وی بار دیگر به این انتقادات در صفحه اینستاگرامش واکنش نشان داد. او نوشت: «فضای گفت‌وگوی رودررو با رئیس‌جمهور با کنفرانس رسانه‌ای متفاوت است. این را می‌دانم، اما همین چند وقت پیش «برخی» از اهالی رسانه گزنده‌ترین نقدهایشان به من این بود که چون رشیدپور متخصص و روزنامه‌نگار نیست و... پرسش‌های بسیار سطحی و زرد از رئیس‌جمهور پرسید و نتوانست درد جامعه را مطرح کند. مثلا چرا رئیس‌جمهور را به چالش نکشیدی، چرا نگفتی که شعار ندهد، چرا نگفتی که وزرا بی‌برنامه و ناتوان هستند، چرا پاسخ‌ها را می‌پذیرفتی، چرا نگفتی که اقتصاد در حال انفجار است، چرا از بازداشتی‌ها نپرسیدی، چرا نگفتی که ما را با برجام مشغول نکند، چرا نگفتی که مردم خسته شده‌اند، چرا از دزدی‌های میلیاردی نپرسیدی، چرا پرسش‌هایت متفاوت نبود، چرا وقت را هدر دادی. شما ده‌ها نفر بودید و من بی‌سواد. شما بیش از دوساعت وقت داشتید و من کمتر از یک‌ساعت. شما در وضعیت سفید امنیتی کشور مقابل رئیس‌جمهور بودید و من در اوج وضعیت قرمز. جسارت می‌کنم و چون لبخند می‌زنید می‌پرسم که چرا یک نفر از شما توقعاتی که به‌خاطرش چندین روز من و خانواده‌ام را زیر شدیدترین فشارهای روانی و شخصیتی گذاشتید، مطرح نکردید؟ پرسش‌های همه شما چه تفاوتی با پرسش‌های من داشت؟ از من خرده گرفتید که شجاعت کافی برای طرح پرسش نداشتم و جسورانه‌ترین پرسش دیروزتان این بود که آیا رئیس‌جمهور صدای اعتراض مردم را شنیده است؟ لابد توقع داشتید که بفرمایند خیر، صدای موسیقی بلند بود نشنیدم. نقد کردید که من تخصص کافی برای طرح پرسش کارشناسی از ایشان را نداشتم و خودتان دلیل عدم افزایش حقوق استادان یک مجموعه «غیردولتی» را از رئیس «دولت» پرسیدید. البته اعتراف می‌کنم که هرگز به فکر من نرسیده بود که رمز پیشرفت کشور را از رئیس‌جمهور بپرسم. من جای آقای روحانی بودم می‌گفتم چهار تا یک! دنیا کوچیکه. خیلی زود به‌هم می‌رسیم .

پی نوشت مهم: روی سخنم تنها با برخی از اصحاب رسانه بود وگرنه منت‌دار عزیزانی هستم که با متانت و اصالت، نقدهای ارزشمندی نسبت به آن گفت‌وگو داشتند که حتما چراغ راه من خواهد بود.

پی‌نوشت غیرمهم: امیدوارم جناب محمدعلی ابطحی گفت‌وگوی سه‌شنبه رئیس‌جمهور را برای اوضاع این روزهای کشور مناسب تشخیص داده و خانواده‌ای را از نگرانی برهانند.»

زندانی‌شدن خبرنگاران زن در حضور رئیس بسکتبال!

فدراسیون عذرخواهی کرد

آفتاب‌یزد – گروه‌شبکه: عجیب‌ترین اتفاقی که در حاشیه فینال لیگ برتر بسکتبال در تبریز بین دو تیم شهرداری تبریز و مهرام به‌گوش رسید، راه‌ندادن خبرنگاران خانم به سالن و محبوس‌شدن آنها در یک اتاق در بسته بود. این اتفاق در حالی رخ داده بود که این خبرنگاران تائیدیه وزارت ورزش و کارت پوشش خبری به‌همراه داشتند، اما وقتی می‌خواستند وارد سالن شوند، با ممانعت ماموران روبه‌رو شدند. اتفاق عجیب‌تر جایی بود که آنها به یک اتاق هدایت شدند و سپس در روی آنها قفل شد!

توضیح روابط‌عمومی

این در حالی است که روابط‌عمومی‌فدراسیون بسکتبال در توضیح این اتفاق اعلام کرده است که این خبرنگاران اجازه ورود به سالن را نداشتند اما در دیدار دوم که رئیس فدراسیون بسکتبال در سالن حضور داشت و در پی حمایت از بانوان خبرنگار و احترام به شأن و شخصیتشان اتاقی در اختیار دو خبرنگار گذاشته شد تا از مانیتور پیگیر تماشای بازی باشند. اینکه گفته می‌شود در اتاقی حبس شدن درست نیست چرا که طبق پیگیری‌ها قفل درِ اتاق ایراد داشته و درِ اتاق به هیچ‌عنوان توسط کسی قفل نشده بود.

متاسفم

اما رامین طباطبایی، رئیس فدراسیون بسکتبال در توضیحی در این خصوص گفت: «همراهی رسانه‌ها یکی از مهم‌ترین عوامل پیشرفت هر رشته ورزشی است و من به سهم خودم از بانوان بسکتبال‌نویس تشکر می‌کنم و فدراسیون دیگر اجازه نمی‌دهد چنین مسائلی در بسکتبال برای رسانه‌ها رخ دهد. راه‌ندادن دو بانوی خبرنگار به ورزشگاه تبریز ناراحت‌کننده بود و از این بابت متاسف هستم.» وی اظهارداشت:«سالن مسابقه استاندارد لازم را نداشت و مشکل اصلی این مکان، نبود سکوی مناسب برای حضور خانواده‌ها به‌ویژه عدم امکانات کافی برای سرویس‌دهی مناسب به خبرنگاران و حتی ورزشکاران بود.» رئیس فدراسیون بسکتبال ادامه داد: «البته توقع می‌رفت با وجود هماهنگی‌های صورت‌گرفته از طرف مرکز روابط‌عمومی‌و اطلاع‌رسانی و تایید حراست مرکزی وزارت ورزش و جوانان، نیروی انتظامی‌استان آذربایجان‌شرقی تدبیر بهتری برای حضور بانوان خبرنگار در ورزشگاه لحاظ می‌کرد.» طباطبایی گفت: «خبرنگاران بازوی همراه و همکار بسکتبال هستند. به‌خصوص قدردان دختران بسکتبال‌نویس هستم که با وجود تمام سختی‌ها و مشکلات همواره کنار این رشته پرطرفدار بوده‌اند و امیدواریم مثل همیشه یاور بسکتبال باشند.»

مسئولان تبریزی عذرخواهی کنند

با این وجود تنها نماینده زن تبریز در مجلس با بیان اینکه مسئولان باید بابت محبوس‌کردن خبرنگاران خانم در جریان فینال لیگ برتر بسکتبال در تبریز پاسخگو بوده و عذرخواهی کنند، گفت:«پیگیر این موضوع از طریق مدیرکل تربیت بدنی شهرستان و وزیر ورزش هستم.» زهرا ساعی گفت:«متاسفانه رفتارهای ناخوشایند و بی‌اخلاقی‌های متعدد در محافل اجتماعی علیه زنان هر از چندگاهی دیده می‌شود و حتی مسئولان و مدیران نیز در این رفتارها نقش دارند که این مسئله به هیچ‌عنوان قابل پذیرش نیست.» نماینده مردم تبریز در مجلس شورای اسلامی‌با بیان اینکه محبوس‌کردن خبرنگاران در جریان یک بازی که مجوز حضور در آن را داشته‌اند، به هیچ‌عنوان قابل توجیه نیست و مسئولان باید دلیل این رفتار دور از اخلاق و ادب را توضیح داده و رسما عذرخواهی کنند، ادامه‌داد: «حتی اگر این زنان خبرنگار مجوز حضور در سالن مسابقات را نداشتند به‌یقین حبس راه برخورد با آن‌ها نبوده است.» وی افزود:«در حال پیگیری این موضوع از طریق مدیرکل تربیت‌بدنی شهرستان و وزیر ورزش هستم ضمن آنکه باید برای پایان‌دادن به این رفتارهای دور از اخلاق و منطق فکری کرد، چراکه حضور زنان در آن ورزشگاه بلامانع بوده، لذا مسئولان باید پاسخگو باشند.» عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی‌اضافه کرد: «اگر قرار است خبرنگار خانم به هر دلیل در مسابقات آقایان حضور پیدا نکنند این مسئله توضیح داده شود؛ هرچند دستورالعمل و بخشنامه‌ای در این راستا وجود ندارد با این وجود حتی اگر دلیل منطقی داشته باشند نوع رفتارشان قابل قبول نیست و باید عذرخواهی کنند.»

واکنش ترانه علیدوستی

از سوی دیگر این اتفاق با واکنش ترانه علیدوستی، بازیگر مطرح کشورمان روبه‌رو شد. وی در این رابطه در اکانت توئیترش نوشت: «برخوردتون با زن، با ورزشکار، با خبرنگار و... ربطی به مصلحت و عرف نداره که هیچ، روزبه‌روز چندش‌آورتر میشه.»

گران‌ترین ریال جهان؛ هر «ریال عمان» معادل ۲/۵ دلار آمریکاست.

امیر مهدیانی، فرمانده آتش‌نشان در حین عملیات اطفای حریق دچار دودگرفتگی شد. وی از فرماندهان عملیات پلاسکو بود که در دقیقه آخر با پریدن از شیشه به بیرون نجات یافته بود.

شوخی خشن «ژان کلود یونکر» رئیس کمیسیون اروپا با یک مقام خارجی پیش از نشست پارلمان اروپا. یونکر تاکنون با شوخی‌های خود بارها سوژه رسانه‌ها شده است.

آسمان ترسناک تهران

آفتاب‌یزد- گروه‌شبکه: تا چشم کار می‌کند همه جا را دود و سیاهی فراگرفته است. فارغ از یک ذره هوا برای نفس کشیدن. حتی ابرها هم چشمه اشکشان خشکیده است تا در این بی‌نفسی به دادمان برسد. مدارس یک هفته است که تعطیل شده، وزارت بهداشت هشدار می‌دهد که از خانه بیرون نیایید، طرح زوج و فرد تشدید شده و... اما زور آلودگی بیشتر از این حرفاست که بخواهد با این اقدامات بار و بندیلش را جمع کند و جایش را به هوای مطبوع و پاک بدهد. واقعا زمستان عجیبی است که به جای باران و برف، آلودگی بود و بس. حالا تهران و بسیاری از شهرها که آلودگی نفسشان را بریده است همچون بیمار بدحالی می‌مانند که اگر به دادشان نرسند، می‌میرند.

این روزها وسعت آلودگی هوا به‌قدری زیاد است که ساختمان‌ها در زیر آلودگی دفن شدند و این مسئله صدای کاربران شبکه‌های اجتماعی را نیز در آورده است.

یکی از کاربران به کنایه نوشته است:«ماشیناتون رو بیشتر بیارید بیرون؛ ما آلودگی دوست داریم.»

فرد دیگری نوشته است:«اینقدر هوا بده که تو خونه نفس‌تنگی گرفتم بعد کارگر سر ساختمون هنوز داره میلگرد میندازه پایین.»

دیگری نوشت:«من آرمانم اینه که سریع و بی‌درد بمیرم، نمی‌خوام ذره‌ذره ریه‌هام‌رو از دست بدم و برم شیمی‌درمانی.»

یکی دیگر از کاربران گفته است:«دیشب تا صبح دائم سرفه کردم، چشم‌هایم می‌سوخت. الان هم می‌خوام برم سرکار. اما پام نمیاد از خونه دربیام. هوا نیست. بابا ما یک کم هوای تازه می‌خواهیم.»

فردی نیز عنوان داشت:«وضعیت هوا در مرکز شهر ترسناک شده. واقعا نمیشه نفس کشید. والا ریه‌هامون دارن آبروداری می‌کنن. من بودم در این شرایط کار نمی‌کردم.»

کاربران دیگر نوشته‌اند:«مثبت‌اندیش یعنی اینکه وقتی هوا در حد فاجعه، آلوده است تو فکر می‌کنی هوا ابری و با این دید از خواب بلند میشی...»،«کاش می‌شد در پی یک اقدام هماهنگ ملی، راس ساعت۹ همه جاروبرقی‌هامون رو به برق می‌زدیم، لوله‌اش رو می‌گرفتیم رو به آسمون، هوا تمیز می‌شد»،«این شهر یه دل خوش یه هوای پاک و یه آینده به ما بدهکاره!»،«چرا هیچ‌کاری نمی‌کنید؟ چرا استعفا نمی‌دید؟ چرا یک بلد و توانا بین شما نیست؟ از آلودگی هوای تهران خفه شدیم»،«به‌جای تابستون چرا زمستون‌رو تعطیل نمی‌کنیم؟»،«در آلوده‌ترین هفته سال قرار داریم، با اینکه مدیریت صحیحی برای نجات شهرمون نیست، بیاییم با استفاده‌نکردن از اتومبیل‌های شخصی، وظیفه شهروندی خودمون‌رو برای کمک به شهرمون به‌جا بیاوریم»،«آسمان آبی‌ام آرزوست»،«با اجازه‌تون، نفس‌کشیدن سخت شده است»،«و باز هم تهران و سیاه‌سرفه!»،«توی حلقم پر از دوده! قشنگ انگار نشسته‌ام یه بشقاب سرب تفت داده شده با دود غلیظ خورده‌ام»،«یعنی واقعا یه نفر نیست که برای جلوگیری از آلودگی هوا کاری بکنه»،«تو پاریس برای رفع آلودگی هوا تردد ماشین با کمتر از سه‌سرنشین ممنوع و حمل‌ونقل عمومی‌رایگان شد. تو تهران هم دعاکردن هوا خوب شه.»

نگرانی پرویز پرستویی از آلودگی هوا

پرویز پرستویی پستی را در صفحه اینستاگرامش به آلودگی هوا اختصاص داد .پدیده آلودگی هوا که این روزها به‌وضوح در شهرهای بزرگی چون تبریز، تهران، اصفهان و... مشاهده می‌شود به بحرانی نگران‌کننده تبدیل شده است؛ معضلی که سلامت شهروندان را به خطر انداخته است. در همین زمینه پرویز پرستویی، بازیگر سینما و تلویزیون با انتشار شعری با مضمون آلودگی هوا در صفحه اینستاگرام خود، نگرانی‌اش را نسبت به این بحران نشان داد.

پرستویی نوشت:«آسمان تعطیل است، بادها بیکارند، ابرها خشک و خسیس، هق هق گریه خود را خوردند، من دلم می‌خواهد، دستمالی خیس روی پیشانی تب‌دار بیابان بکشم، دستمالم را، اما افسوس، نان ماشینی، در تصرف دارد، آبروی ده ما را بردند!

قیصر امین‌پور»

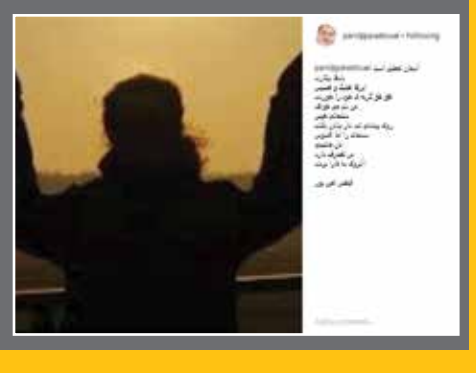

آفتاب کامنت امروز

ارزش پسماندهای خشک؟!

محمد ماکویی

آیا هرگز به مخیله‌تان خطور کرده است که با کیسه محتوای پسماندهای تَر وارد اتوبوس شوید؟! این کار را نخواهید کرد، زیرا خوب می‌دانید که شدت و حدت اعتراضات مردمی‌که بعضی از آن‌ها به بوی بد پسماند اشاره می‌کند و برخی دیگر ظاهر آن را مورد هدف قرار می‌دهد از حوصله‌تان بیرون بوده و در نهایت شما را از اتوبوس خارج خواهد ساخت.

حال فرض کنید با کیسه پسماندهای خشک وارد اتوبوس شده‌اید. قطعا این‌بار اوضاع و احوالتان به‌مراتب بهتر خواهد شد و تنها معدودی از مسافران نسبت به ظاهر نازیبا و حجم اشغال‌شده توسط چیزی که در دست گرفته‌اید واکنش نشان خواهند داد.

اینک به این بیندیشید که با بطری نیمه‌پر آب‌معدنی وارد اتوبوس یا تاکسی شده‌اید. مسلما کمتر کسی به خود اجازه می‌دهد که درباره آنچه می‌خورید و میاشامید و رنگ و بویی آزاردهنده ندارد موضع منفی اتخاذ کند.

سوال این است در حالی که حمل بطری پر یا نیمه‌پر آب‌معدنی بی‌اشکال است، چرا باید نگران همراه داشتن بطری خالی آب‌معدنی باشیم؟

پاسخ این است که این نگرانی هم موجود نیست و کسی نسبت به حمل بطری آب‌معدنی خالی ایراد وارد نمی‌کند.

نکته دقیقا اینجاست، پسماندهای خشک نباید اعتراض کسانی که در نزدیکی آن‌ها قرارگرفته‌اند را برانگیزند و اگر در عمل چنین اتفاقی نمی‌افتد به‌خاطر این است که پسماندهای تَر در میان پسماندهای خشک جاگرفته‌اند یا ما با پسماندهای خشک آن‌طور که باید و شاید تا نکرده‌ایم.

بسیاری از پسماندهایی که ما آن‌ها را تحت نام «خشک» می‌شناسیم پسماندهای خشک نیستند. به‌عنوان مثال، هیچ‌یک از پسماندهایی که با موادغذایی یا مایعات بدن آغشته باشند را نباید خشک به‌حساب آورد. با این طبقه‌بندی قراردادن محصولات بهداشتی و امثال آن در میانه و لابه‌لای پسماندهای خشک را نمی‌توان کاری درست به‌حساب آورد.

از سوی دیگر، گاه ما با پسماندهای مخلوطی سر و کار داریم که باید تکلیف آن‌ها را روشن کنیم. به‌عنوان مثال، کیسه آغشته به خرما پسماند خشک نیست، اما قوطی خرما را می‌توان درون سطل مخصوص پسماندهای خشک جای داد. کاغذ آغشته به پیتزا را هم نباید پسماند خشک بگیریم، هر چند جعبه پیتزا پسماند خشک به‌حساب آورده می‌شود.

سطل ماست و بطری دوغ از پسماندهایی هستند که تنها با دست‌کاری «خشک» محسوب می‌شوند. به‌عبارت دیگر بطری‌ها و ظروف این‌گونه باید آبکشی شده و محتویات «تر» خود را از دست بدهند تا بتوان آن‌ها را «خشک» نامید.

در این‌باره شاید برخی به این موضوع که در قحطی فعلی آب، این‌کار درستی است فکر کنند. اگر بخواهیم جواب را برمبنای روش شست‌وشوی ظروف ما ایرانی‌ها که فاصله طولانی با زمان کثیف‌شدن آن‌ها دارد، بدهیم پاسخ، چندان مورد علاقه دوستداران محیط‌زیست نخواهد بود! با این حال آبکشی ظروف و بطری‌ها بلافاصله بعد از کثیف‌شدنشان، آب زیادی هدر نخواهد داد و در بیشتر موارد قابل مقایسه با آبی که برای تولید آن‌ها به‌کار گرفته می‌شود نیست.

اصلا گمان نکنید که نباید برای جداسازی پسماندهای خشک تا این اندازه حساس باشیم. دلیل این امر این است که تنها با حساسیتی این‌گونه است که پسماندها را دارای ارزش‌افزوده کرده و متوجه می‌شویم که آن‌ها ارزش اقتصادی بالاتر از زباله‌های معمولی دارند.

می‌گویند عقل آدمی‌به چشمانش است. دست‌کم در این یک مورد درست می‌گویند. به چشمان خود اعتماد کرده و مطمئن باشید که با درست تاکردن با پسماندهای خشک، آن‌ها را کاملا قیمتی ساخته‌اید.